

یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی

E-mail: elahi1@aol.com • Fax: (925) 930-7868

به نقل از کیهان چاپ لندن

* بخش دوم

سعیدی سیرجانی:

در ستم سوخته ای با ستم نساخته

اشاره

در مطالب ماه پیش نوشتیم که سعیدی سیرجانی از بعد از انقلاب به عنوان چهره ای تازه در ایران گل کرد. پیش از آن، سعیدی ادیبی بود که با تصحیح و تنقیح متون ادبی و ویراستاری کتبی از این دست، در بنیاد فرهنگ ایران اسم و رسم و جا و مکان خویش را داشت.

اما با وقوع انقلاب اسلامی، سعیدی به ناگهان در خط اول مبارزه با مبانی حکومت ولایت فقیه قرار گرفت و با نوشتن مقالات مستدل - و نه جنجالی و پرهیاهو - به کار نقاب از چهره ی ریاکاران برداشتن پرداخت و بدین گونه بود که ناگهان مقالات سعیدی مبارز و بی دروغ و نقاب مورد استقبال همه مخالفان طرز فکر یکسویه ی جمهوری اسلامی و رهبر آن آیت الله خمینی قرار گرفت و کتابهای مجموعه ی مقالات او از فروش بالایی برخوردار شد. حکومت تا مدتی به عمق تأثیر نوشته های سعیدی پی نبرده بود و مجموعه مقالات او مانند کتابهای «در آستین مرفع» و «ای کوه آستینان» با کج دار و مریز تحمل می شد. اما انتشار دو اثر «شیخ صنعان» و «شیخ ریا» سعیدی را که در جای یک مخالف رژیم که با طنز جاننشکارش قلب «ایدئولوژیک» حکومت را نشانه گرفته است، نشانند.

در این شماره به مهمترین اثر او، «مثنوی شیخ ریا» می پردازیم و آن حکایت را که سعیدی ساخته و پرداخته است بطور فشرده و به اختصار نقل می کنیم. اما پیش از آن، همانطور که هفته پیش نوشتیم باید اول از داستان «شیخ صنعان» حرفی به میان بیاوریم چرا که این داستان در همان سال اول انقلاب در مجله نگین دکتر محمود عنایت چاپ شد و خود عنوان «شیخ صنعان» ناگهان حافظه تاریخی مردم قرن ها با ریا جنگیده و در برابر شیخ ایستاده را از خواب انقلاب شیخ بیدار کرد. داستان شیخ صنعان که حکایت فریفتگی و دل به دست دلبرکی ترسا سپردن را از سوی شیخی که ادعای ملک بودن دارد بیان می کند با این بیت مشهور حافظ که رسوایی شیخ را در راه عشق به طنز به هیچ می گیرد: مردم به شیخ سر کار آمده اندیشیدند و با خود خواندند:

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن

شیخ صنعان خرقه رهن خانه ی خمار داشت و آنگاه حکایت سعیدی از شیخ و ریب و ریای او باز خواننده شد آنهم از زبان خواجه شیراز که:

ترسم که صرفه ای نبرد روز بازخواست

نان حلال شیخ ز آب حرام ما

و می ده که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب

چون نیک بنگری همه تزویر می کنند

و احوال شیخ و قاضی و شرب الیهودشان

کردم سؤال دوش من از پیر میفروش

و

شیک فلورال

اجازه بدهید نمای بی همنا و طراوت روح افزای گل های شاداب و لطیف به نثب های خاطره انگیز شما جلوه ای دیلر ببخشند.

برای گل آرایی در مجالس تولد، عروسی، نامزدی، سالگرد ازدواج و جشن فارغ التحصیلی و همچنین تزئین سفره عقد با ما تماس بگیرید.

شیک فلورال با ارائه طرح های مدرن که با بهترین و زیبا ترین گل های فصل برای سلیقه ی منحصر به فرد شما تعیه شده، در خدمت شما عزیزان می باشد.

(۴۰۸) ۷۸۱-۹۵۳۳

Serving Bay Area and Beyond, CA

www.sheekfloral.com ☎ info@sheekfloral.com



(۱)

دو پادشاه در یک اقلیم

در منظومه ی «شیخ ریا» که به وزن روانی هفت پیکر نظامی ساخته شده، سعیدی سیرجانی داستانی ساخته و پرداخته است که در روزگاری نامعلوم در سرزمینی ناشناس اتفاق می افتد. اما در خلال ابیات منظومه، اشاره های روشن آشکار او به مسائل روز و چهره های شناخته شده نشان می دهد که شاعر چگونه با استفاده از فضای داستانی، قصد رسوا کردن شیخان ریا را داشته است. داستان اینطور آغاز می شود:

خسروی دادگستری جم جاه

دختری داشت خوبرو، چون ماه

سرو قدش نهال باغ کمال

ماه رویش چراغ چشم جمال

سر زلفش کنایت از ظلمات

لب لعش کلید آب حیات

خواستارش به جان سرافرازان

سرکنشان بردرش سراندازان

سروران در غمش هلاک شده.

«ای بسا آرزو که خاک شده».

در سرزمینی که پادشاهش دختری بدین زیبارویی دارد، پادشاه دیگری هم زندگی می کند که او نیز صاحب ملک و رعیت است، منتهی از نوعی دیگر. این پادشاه دومی روزگار خوش و بی دغدغه ای را در کنار ملتش سپری می کند.

بود در ملک شاه چوپانی

عمر سرکرده در بیابانی

سوی شهرش نیوفتاده گذر

عمر در کوه و دره برده بسر

ایمن از رنج آرزومندی

پادشاه دیار خرسندی

ملکتش مرتعی به دامن کوه

دور از انبوه و ایمن از اندوه

دو سگش دو وزیر کار آگاه

پاسدار حریم حرمت شاه

گوسفندان رعیتی خاموش

همه فرمان پذیر و پندنیوش

ملتی سر به زیر و دوخته لب

نه فزون خواه و انقلاب طلب

زان وزیران روز و شب بیدار

رخ نهان کرده گرگ استعمار

ملت آرام و مملکت آرام

شاه آسوده از بد ایام اما از آنجا که جهان کج رفتار آسایش و آرامش را بر کسی نمی پسندد، روزی از روزها اتفاقی می افتد که زندگی چوپان آسوده خاطر را بکلی زیر و رو می کند. دختر زیباروی پادشاه به عزم شکار از شهر بیرون می رود. در حین تاختن، از لشکر خود دور می افتد و همراهانش او را گم می کنند. دختر می تازد و می تازد تا به ملک چوپان ساده دل می رسد. چوپان ناگهان با زیبایی مبهوت کننده ای روپرو می شود و دهانش از تعجب وا می ماند. دختر شاه کف آبی می نوشد و همراهان می رسند و او را با خود می برند.

چوپان عاشق از آن ساعت به بعد مثل هر عاشق دیگری، جز معشوقه یادی دیگر در سر ندارد و نوایی جز نوای نی آرامش نمی کند. کار نی نوازی چوپان به آنجا می رسد که هر عابری به صدای نی او پا سست می کند.

(۲)

وزیر با تدبیر

یکی از روزها وزیر اعظم شاه به قصد شکار به کوهسار می رود و نوای نی چوپان را می شنود. نی آنچنان سحرانگیز و افسون کننده است که وزیر در صدد یافتن نوازنده برمی آید و چون چوپان فقیر را پیدا می کند به فکرش می رسد که او را به درگاه شاه ببرد تا در بزم شاهانه نی بنوازد. از او حکایتش را می پرسد. چوپان نخست از پاسخ تن می زند و سرانجام در برابر اصرار وزیر اعتراف می کند که عاشق دختر شاه شده است، اما او کجا و دختر شاه کجا؟

وزیر با شنیدن این حکایت به فکر فرو می رود. او که در سراندیشه ی تقرب هرچه بیشتر در پیشگاه شاه را دارد، چوپان عاشق را بهترین وسیله ی بر آوردن این نیاز می داند. شبان را وسیله ی بر آوردن آرزو می یابد و به او تذکر می دهد که اگر تا پایان راه با او همراه باشد به وصال دخترش خواهد رسید. وزیر با تدبیر که از جهل عامه باخبر است، به چوپان می گوید که می تواند با ادعای رهبری روحانی کاری کند که شاه و همه ی مملکت تسلیم او شوند و در برابر انکار چوپان که من مردی عامی و بی سوادم و:

خرد و دانش و سوادم کو

وز کسی اذن اجتهادم کو؟

وزیر جواب می دهد که این حرفها فقط حرف است، زیرا این کار ابزار خاصی لازم دارد که به دست آوردنش دشوار نیست. او باید بکلی شیوه ی زندگی و رفتار را عوض کند تا مورد توجه مردم واقع شود و برای این کار اصلاً به سواد و دانش نیازی ندارد.

گر ترا اندکی سفاهت بود

مایه ای کافی از وقاحت بود

می توان لاف پیشوایی زد

بی محابا دم از خدایی زد

وزیر آنگاه شروع به آموزش آداب ریا به شبان بینوا می کند.

(۳)

روش تولید حجت الاسلام

و آنچه بُد یادش از کهن استاد

داد درس ریا شبان را یاد

طول عمامه بیشتر کردن،

شال بستن، عبا به بر کردن

موی سر لامحاله بزدودن

طول ریش از دو قبضه افزودن

خواندن از بهر جذب ساده دلان

در قوتی دو سوره از قرآن

دیاله مطلب در صفحه ۲۳۴

ثریا سعدیه

مشاور همیشگی شما در امور خرید و فروش املاک



Rest Your Dreams On my Shoulders

Your Real Estate Agent For Life In Greater BayArea

Soraya Saadie REALTOR®

Residential & Commercial



(408) 561-8221

Direct: (408) 385-0642

soraya4re@yahoo.com

Fax: (408) 241-1050

1900 Camden Ave., San Jose, CA 95124

من از صمیم قلب فواستارم که تمام هموطنان مقیم بی اریا صاحب خانه و یا محل تجارت مورد علاقه شان شوند.

آسوده خاطر باشید که در تمام مراحل خرید و فروش املاک همراهمان خواهیم بود.

لطفاً جهت مشاوره رایگان با من

ثریا سعدیه

تماس حاصل فرمایید.